

صبح ایران

خبرنگار «جام جم» با حضور در پشت‌صحنه «ماه خدا» از حال و هوای این برنامه سحرگاهی گزارش داده است

دعاییرنور ماه خدا

درخشش نوازندگان ایرانی در صحنه جهانی

نصیر حیدریان می‌گوید رسانه‌ها می‌توانند در فرهنگ‌سازی برای موسیقی کلاسیک و ارکسترال در جامعه تأثیرگذار باشند

زندگی بدون نقاب پهلوی‌ها در رادیو

گفت‌وگو با برنامه‌سازان رادیو درباره ساخت برنامه‌هایی با موضوع تاریخ پهلوی که در سند تحول رسانه‌ملی بر آن تاکید شده است

سفره‌های تجملاتی برکت رمضان را می‌برد

بررسی آفت چشم‌وهم چشمی در برپایی مهمانی‌های پرتجمل افطاری در گفت‌وگو با یک روان‌شناس

«نظامی‌گنجه‌ای» پاسدارپارسی

مقام حکیم نظامی گنجه‌ای، شاعر بزرگ پارسی‌گوی و آفریننده حماسه‌های عاشقانه، در حوزه ایران فرهنگی ونزد ایرانیان ارجمند است. نگرانی‌هایی از تلاش برای مصادره شاعران ایرانی و پارسی‌گو در مناطق اطراف ایران وجود دارد. حکیم نظامی، بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی سده ششم و زاده گنجه در سرزمین ازان(در آن سوی رودخانه ارس) است که روزگاری نه‌چندان دور از ایران جدا افتاده است. شاهد تلاشی غیرفرهنگی هستیم تا او را شاعری غیرپارسی‌گو معرفی کنند. این اقدام غیرفرهنگی و غیرعلمی است، زیرا هویت و اندیشه نظامی را می‌توان از اشعار و سخنان برجای‌مانده‌اش فهمید. حتی اگر ممکن باشد که شعر نظامی را تحریف یا جعل کنند، چگونه خواهند توانست صدها نسخه خطی که از سده‌های پیش در کتابخانه‌ها و موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شود را نادیده بگیرند؟

نظامی از زبان خود

در شعر نظامی، «پارسی» یا به‌معنی «زبان پارسی» و یا به‌معنای «ایرانی» است. در داستان «لیلی و مجنون»، در بخشی که پدر مجنون به دیدار فرزندش می‌رود، نظامی خود را چنین معرفی می‌کند: «دهقان فصیح پارسی‌زاد/ از حال عرب چنین کند یاد». در اینجا هم «پارسی‌زاد» به معنای ایران نژاد است.

در داستان «خسرو و شیرین»، هنگامی که خسرو، شیرین را در چشمه‌ساری ملاقات می‌کند، پیش از نقل داستان، نظامی گوینده داستان را این‌گونه می‌شناساند: «سخن گوینده پیر پارسی‌خوان/ چنین گفت از ملوک پارسی‌دان». روشن است که در اینجا «پارسی» به‌معنی زبان پارسی است. درهمان منظومه، در بخش مربوط به «به‌خاک سپردن خسرو پرویز»، نظامی می‌گوید: «به‌آیین ملوک پارسی‌عهد/ بخوابانید خسرو در آن‌مهد»، که در اینجا «آیین ملوک پارسی» به معنای آیین پادشاهان ایرانی است. در «لیلی و مجنون» و در بخش «سبب نظم کتاب»، نظامی با صراحت بیشتری سخن می‌گوید: «در زیور پارسی و تازی/ این تازه‌عروس را طرازی/ دانی که من آن سخن شناسم/ کابیات نو از کهن شناسم/ ترکی صفت وفای ما نیست/ ترکانه‌سخن سزای ما نیست». در اینجا، نظامی زبان خود را پارسی‌وتبارش را ایرانی معرفی می‌کند و خود را سخن‌شناس و داننده متون کهن ایرانی می‌داند. در «هفت‌پیکر» و در داستان «آگاهی‌یافتن بهرام بر مرگ پدر»، با اشاره به نگرانی ایرانیان از این‌که بهرام ممکن است به‌دلیل تربیتش در

در داستان «خسرو و شیرین»، هنگامی که خسرو، شیرین را در چشمه‌ساری ملاقات می‌کند، پیش از نقل داستان، نظامی گوینده داستان را این‌گونه می‌شناساند: «سخن گوینده پیر پارسی‌خوان/ چنین گفت از ملوک پارسی‌دان». روشن است که در اینجا «پارسی» به‌معنی زبان پارسی است. درهمان منظومه، در بخش مربوط به «به‌خاک سپردن خسرو پرویز»، نظامی می‌گوید: «به‌آیین ملوک پارسی‌عهد/ بخوابانید خسرو در آن‌مهد»، که در اینجا «آیین ملوک پارسی» به معنای آیین پادشاهان ایرانی است. در «لیلی و مجنون» و در بخش «سبب نظم کتاب»، نظامی با صراحت بیشتری سخن می‌گوید: «در زیور پارسی و تازی/ این تازه‌عروس را طرازی/ دانی که من آن سخن شناسم/ کابیات نو از کهن شناسم/ ترکی صفت وفای ما نیست/ ترکانه‌سخن سزای ما نیست». در اینجا، نظامی زبان خود را پارسی‌وتبارش را ایرانی معرفی می‌کند و خود را سخن‌شناس و داننده متون کهن ایرانی می‌داند. در «هفت‌پیکر» و در داستان «آگاهی‌یافتن بهرام بر مرگ پدر»، با اشاره به نگرانی ایرانیان از این‌که بهرام ممکن است به‌دلیل تربیتش در

اگرچه امروز با حقیقت تاریخی و تلخ جدایی قفقاز جنوبی و منطقه‌ازان از ایران روبه‌رو هستیم، اما این‌که برخی باتحریف تاریخ و «هویت‌سازی» جعلی، در پی مصادره شاعران بزرگ و پارسی‌گو به نام ملیت‌ها و فرهنگ‌های دیگر باشند، اقدامی غیرفرهنگی و نگران‌کننده است.

نظامی گنجوی؛ آئینه‌ای تمام‌نما از علوم ودانش‌های عصر خود

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید که در عرصه ادبیات به نام پُرآوازه «نظامی» شناخته می‌شود، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادب و هنر ایران زمین است. وی نه‌تنها در عرصه شعر و شاعری استادی بی‌بدیل بود، بلکه گستره‌ای بی‌همتا از دانش‌های عصر خویش را نیز در برداشت. او افزون بر تسلط بر زبان‌های فارسی و عربی با سنت‌ها و داستان‌های شفاهی نیز عمیقاً آشنا بود. علاقه و دانش او فقط به هنر سخنوری محدود نبود، بلکه معماری، علوم طبیعی و اسلامی، فقه و کلام نیز در شمار علاقه‌مندی‌های ژرف او قرار داشتند. نظامی با مهارتی بی‌همتا در تفسیر قرآن و حدیث، فلسفه و کلام را نیز در سطحی شگرف می‌کاوید. آگاهی او از علوم عقلی و مکتب فلسفی، همراه با سال‌ها کاوش در ریاضیات و نجوم —چیزی که در میان شاعران ایرانی پیشینه داشت— موجب شد که دانشی وسیع و چند جانبه داشته باشد. حتی تاریخ طبیعی و گیاه‌شناسی نیز برای او از اهمیت والا‌یی برخوردار بود. شعرهای نظامی، آئینه‌ای تمام‌نما از تمامی علوم و دانش‌هایی است که او در همگی آنها سرآمد بود. این دانش و بینش در اثر بزرگ او، «خمسه» به گونه‌ای حیرت‌آور تجلی یافت. نظامی با بهره‌گیری از استعاره، تمثیل و کنایه، زبانی فاخر و برتر برای شعر فارسی آفرید. از این رو خمسۀ نظامی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب داستان‌های عاشقانه خلاصه کرد؛ این اثر شگرف، با عمق و غنای بی‌مانند خود، الهام‌بخش شاعران، نویسندگان و حتی نقاشان بی‌شماری گشته است.

نظامی در اشعار خود به جنبه‌های متفاوت و متنوعی پرداخته و نه تنها در عرصه نظم و داستان‌سرایی، بلکه در وادی عرفان و تصوف نیز گام نهاده است. او در آثار گران‌سنگ خود، بارها به معراج پیامبر (ص) پرداخته و آن را با زبانی عرفانی و پر رمز و راز به‌تصویر کشیده است و داستان هفت پیکر را با معراج حضرت رسول اکرم (ص) و راز و رمزی عرفانی آغاز می‌کند: «چون نگنجید در جهان تاجش/ تخت بر عرش بست معراج‌ش».

نظامی در دورانی می‌زیست که علوم اسلامی به مکتب فکری گوناگونی تقسیم شده بود. در آن عصر، مکتب کلامی معتزله رو به افول نهاد و مکتب اشاعره با تلاش‌های جوینی و غزالی به اوج کمال رسید و وارد مرحله‌ای نوین شد. در این میان، آرای اسماعیلیه نیز در اوج شکوفایی قرار داشت و فلسفه اسلامی، با ظهور بزرگانی چون فارابی و ابن‌سینا، به قله‌های رفیع کمال دست یافته و تحت تأثیر فلسفه‌های هرمسی و نوافلاطونی، صورتی تازه یافته بود. در این دوره نظامی در خمسۀ خود به‌ویژه در اسکندرنامه به‌نوع چشمگیری به علوم فوق و علی‌الخصوص، فلسفه پرداخت و در این راستا از واژه‌های فلسفی زیادی استفاده کرد. توجه به فلسفه فیثاغورسی با تأکید بر اعداد در هفت پیکر

به‌خوبی مشهود است. نظامی شاعری چیره‌دست است که با آگاهی کامل از روحیات و زندگی مردم، زبان شعر خود را به گونه‌ای آراسته که برای همگان قابل فهم و دلنشین باشد. او با بهره‌گیری از واژگان و اصطلاحات عامیانه که بازتابی از فرهنگ و آداب و رسوم زمانه‌اش بود، توانست پلی میان زبان فاخر ادبی و زبان مردم عادی ایجاد کند. از این رو او در کنار اشارات به فلسفه از زبان فاخر و زبان مردم کوچه و بازار نیز سود می‌برد و با استفاده از واژگان، اصطلاحات عامیانه و امثال، صمیمیت کلام خود را به مخاطب منتقل می‌کند و توجه خود را به زبان طبقات مختلف جامعه نشان می‌دهد. این ترکیب زبان، باعث می‌شود که لحن خیال‌انگیز و پیچیده او برای مردم، آشنا و دلنشین شود. گویی نظامی پلی بین زبان نخبگان و زبان مردم عادی زده و همه را در شعر خود شریک کرده است.

این هم‌زبانی، چنان تأثیری بر مخاطب می‌گذارد که او را با شاعر همراه و هم‌صدا می‌کند. یکی از امثالی که او به کار برده، آب آّب تکان نخوردن است؛ شد آیم و او به مویی تر نیامد/ چنان کابی به آبی بر نیامد. مثل دیگری که از آن سود جسته است، از سایه خود ترسیدن است؛ از سایه نشان تو نپرسم/ کز سایه خویش نیز ترسم. همان‌طور که پیشتر آمد، نظامی از اصطلاحات رایج آن زمان نیز استفاده می‌کرد که یکی از آنها که هنوز هم بسیار رواج دارد، کاربرد بسم‌الله در معنی شروع کردن است؛ ما مییم و نوای بی‌نواپی/ بسم‌الله اگر حریف مایی.

طبیعت یکی از مهم‌ترین منابع الهام نظامی بوده است و او با نگاهی دقیق و هنرمندانه، از آن برای خلق مضامین زیبا و تازه استفاده کرده و در توصیف‌های رنگارنگ و متنوع خود، از گل و گیاه، کوه و دشت، و دیگر عناصر طبیعی، تصاویری بدیع و خیال‌انگیز خلق می‌کند. در آثار نظامی، طبیعت نه‌تنها زمینه‌ای برای توصیف زیبایی‌ها، بلکه بستری برای بیان احساسات و اندیشه‌های شاعرانه است. او با استفاده از عناصر طبیعی، مضامین عرفانی، عاشقانه و حماسی را به شکلی هنرمندانه به تصویر می‌کشد و در مبحث تقدم وجودی پیامبر (ص) بر موجودات می‌سراید؛ بود در این گنبد فیروزه خشت/ تازه‌ترنجی ز سرای بهشت/ رسم ترنج است که در روزگار/ پیش دهد میوه پس آرد بهار، به علاوه او در بهره‌گیری از عناصر حماسی نیز مهارت

خاصی دارد. این عناصر شامل واژگان و اصطلاحات مربوط به نبرد و جنگیدن مانند تیغ، نیزه، سپر، زره و کمان است و در اشعار او نقشی فراتر از معنای لغوی خود ایفا می‌کنند. نظامی با ظرافتی خاص، این عناصر را در مضامین گوناگون به کار می‌گیرد و برای توصیف طبیعت، زیبایی معشوق، طلوع و غروب خورشید و حتی شب استفاده می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که این عناصر در معنای مجازی و استعاری خود و نه معنای واقعی شان به کار می‌روند. برخی از این اصطلاحات، مانند «سپر انداختن» و «علم افروختن»، در میان شاعران به صورت کنایی رایج شده‌اند. در مخزن‌الاسرار نیز نمونه‌های متعددی از این دست می‌توان یافت؛ چون سپر انداختن آفتاب/ گشت زمین را سپر افکن بر آب.

در آسمان پر ستاره مخزن‌الاسرار نظامی، گویی کهکشانات و سیارات نیز به نغمه‌سرایی پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین عناصری که در مضمون‌پردازی‌های این اثر و به‌طور کلی در شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد، عناصر و اصطلاحات مربوط به علم نجوم و احکام آن است. در مخزن‌الاسرار، کاربرد عناصر نجومی، به‌ویژه در توصیف معراج پیامبر (ص) و عبور ایشان از آسمان‌های هفتگانه، به اوج می‌رسد. نظامی با به‌کارگیری استادانه این اصطلاحات، مضامینی شگرف و خیال‌انگیز خلق می‌کند. گویی او با این زبان، سفری آسمانی را برای مخاطب خود به‌تصویر می‌کشد و او را در این عروج روحانی همراه می‌سازد و در وصف صورت مبارک پیامبر از اصطلاح نجومی برج‌سنبله استفاده می‌کند؛ سنبل او سنبلۀ روز تاب/ گوهر او لعل گر آفتاب. نظامی گنجوی حکیمی جامع‌الاطراف و هنرمندی چندوجهی بود که با آگاهی عمیق از علوم زمانه و تسلط بی‌نظیر بر زبان فارسی، آثاری خلق کرد که همچنان پس از قرن‌ها، منبع الهام و شگفتی است. این مقال زوایای گوناگون اندیشه و هنر نظامی، از تسلط او بر زبان عامیانه و فاخر تا بهره‌گیری هنرمندانه از عناصر حماسی، نجومی و طبیعی را مورد بررسی قرار داد و آشکار کرد که نظامی با آفرینش آثاری همچون خمسۀ، نه‌تنها داستان‌هایی دلنشین و پرمغز را به یادگار گذاشت، بلکه گنجینه‌ای از دانش و حکمت را برای آیندگان به‌ارمغان آورد. نظامی با زبان شعر، پلی میان دانش و هنر، نخبگان و عوام، و زمین و آسمان بنا کرد و با به‌کارگیری استعاره‌ها و تمثیل‌های بدیع، مضامین عرفانی، فلسفی و اجتماعی را در قالب داستان‌هایی جذاب و خواندنی به‌تصویر کشید.

